

دروغ در قاب تاریخ و تلویزیون

طی سال‌های اخیر آنچه شب‌های رمضان را برای روزه‌داران- به‌خصوص در کشورهای عربی- پرمی‌کند، سریال‌هایی است که از شبکه‌های گوناگون پخش می‌شود...



طی سال‌های اخیر آنچه شب‌های رمضان را برای روزه‌داران- به‌خصوص در کشورهای عربی- پرمی‌کند، سریال‌هایی است که از شبکه‌های گوناگون پخش می‌شود؛ سریال‌هایی که غالباً همراه با انتقادات، ایجاد حساسیت قومی و مذهبی، جنجال و گاه حتی فتوای علما مبنی بر تحریم مشاهده این سریال‌هاست. گاه در برخی از آنها به موضوعاتی پرداخته شده است که می‌توان آن را ترسیم و تصویر مشکل اساسی عالم اسلام دانست؛ چنان‌که در سریال «؛فارس بلا جواد» مشاهده می‌کنیم.

برخی دیگر اما به موضوع فتوحات اسلامی و تمدنی که مسلمانان پایه‌گذاری کرده‌اند، پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند که این عناوین را در قالب تلاش‌ها و ذکاوت‌های سیاسی یک خلیفه به تصویر بکشند؛ چنان‌که در سریال «؛ابوجعفر منصور» مشاهده می‌کنیم. سریالی که امسال از شبکه‌های مختلف عربی پخش می‌شود و البته قرار است به چند زبان زنده دنیا از جمله زبان فارسی نیز ترجمه و دوبله شود، از این قاعده مستثنی نیست و حتی می‌توان آن را از حیث جنجال از دیگر سریال‌های مشابه پررنگ‌تر دانست، چرا که بسیاری از علمای مسلمین از الازهر گرفته تا بغداد و نجف اشرف و قم به تحریم مشاهده آن فتوا داده‌اند. در هر صورت از ابتدای ماه مبارک این سریال در تلویزیون‌های مختلف عربی به نمایش درآمده است. جدای از عدم رعایت حرمت نشان دادن چهره ائمه شیعه (ع) در این سریال موهن که خود فتنه‌انگیزانه است اما نقدهای اساسی‌ای از منظر تاریخی و رجالی و حدیثی به این سریال وارد است که در این جستار تلاش می‌کنیم از جهت محتوا و مضمون، به نقد و تحلیل مصادر و روایاتی بنشینیم که دستمایه اساسی و بنیادین سازندگان این مجموعه و پیدایی تلاش مغرضانه ایشان بوده است.

بدون هیچ‌گونه پیش داوری طی 8 شب گذشته، آنچه از سریال حسن و حسین رضی‌الله عنهما (= درودی است که اهل سنت برای اصحاب، برخی از تابعین و دیگران استفاده می‌کنند و به معنای خواستن رضایت خدا برای ایشان است) پخش شده است، نشان می‌دهد که تکیه اصلی نویسندگان، سازندگان و کارگردان این سریال بر نوعی از گزینشگری روایات تاریخی و موهومات است که چند هدف را بر آورده کند چرا که آغاز سریال- که از قضا به لحاظ تکنیک‌های فیلمبرداری و بازیگردانی، دلنشین و روان است- همراه با جریان‌هایی است که پس از آن در تاریخ، «؛فتنه کبری» یا بزرگ‌ترین فتنه تاریخ صدر اسلام نام گرفت؛ فتنه‌ای که در آن خلیفه سوم، عثمان بن عفان کشته شد و پس از آن جهان اسلام شاهد چندین جنگ خونین علیه امام علی بن ابی‌طالب (ع) بود و می‌توان عاشورا را نقطه اوج این فتنه دانست و البته واقعه حره و ... اما هدف‌گیری سریال حسن و حسین، با توجه به پس‌زمینه ذهنی و باورهای اعتقادی سازندگان سلفی(= وهابی) این مجموعه بر چند امر متمرکز است:

نخست آنکه سازندگان این سریال سعی دارند این باور را القا کنند که هیچ‌یک از صحابه در قتل عثمان شرکت نداشتند. همچنین هیچ‌یک از ایشان تحریض‌کننده و تشویق‌گر قتل او نبودند. البته باید توجه داشت که پیدایش این موضع نسبت به صحابه که تحت عنوان نظریه عدالت یا عصمت عملی صحابه مشهور است، به نیمه اول قرن سوم هجری بازمی‌گردد؛ موضعی که بعداً به مکتب اعتذار برای صحابه معروف شد و تلاش اصلی خود را بر دفاع و حجت تراشیدن برای کارهای خلاف شرع، جنگ‌ها و درگیری‌های لفظی صحابه با یکدیگر بنا کرد. اوج این مکتب را اما می‌توان در آثار ذهبی (م748ه.ق)، مولف آثاری همچون میزان الاعتدال، تاریخ‌الاسلام و سیر أعلام النبلاء مشاهده کرد. او در کتاب اخیر در بخشی از تحلیل خود نسبت به مشاجرات، درگیری‌ها و گاه کشتار صحابه توسط خودشان، چنین می‌نویسد: «؛چنان‌که مقرر شده است، باید از نقل بسیاری از مشاجرات و کشتاری که میان صحابه واقع شده است، خودداری کرد. با آنکه همچنان در کتب و جزوات شاهد این مطالب هستیم که اکثر آن روایات ضعیف و منقطع است و برخی از آنها کذب است و این چیزی است که در اختیار ما و علمای ماست. بنابراین شایسته است که این مطالب را در هم پیچید و مخفی کرد بلکه حتی از میان برد! تا قلوب از آنها پاک شود و بر دوستی صحابه و خواستن رضایت از خدا برای ایشان استوار شود. کتمان این مطالب بر عامه و عموم علما متعین است. آری، اگر کسی از علما خواست آنها را در خلوت خود مطالعه کند به شرطی که منصف باشد و از هوای نفس به دور و برای ایشان استغفار کند، اشکالی ندارد» (سیر اعلام النبلاء، ج10، ص92).

مسئله دیگری که این سریال با بن‌مایه قرار دادن آن می‌خواهد به اهداف خود دست یابد تأکید بر وجود تاریخی عبدالله بن سبأ است. در این سریال عبدالله بن سبأ یهودی‌ای است که در زمان عثمان از روی نفاق اسلام می‌آورد و در سرزمین‌های مختلف اسلامی مثل حجاز، بصره، مصر و کوفه می‌گردد و مردم را علیه عثمان تحریک می‌کند و ایشان را از کارهای خلیفه برحذر می‌دارد. او همان کسی است که برای نخستین بار به صحابه توهین کرد و از ایشان به بدی یاد کرد. در این سریال گفته می‌شود که او کسی است که برای نخستین بار اندیشه وصایت را مطرح کرد. البته کارهای او بدین جا ختم نمی‌شود. او سپس ادعای پیامبری و در نهایت ادعای خدایی و الوهیت امام علی را مطرح کرد و فرقه‌ای به نام سبائیه تأسیس کرد که علی(ع) را خدا می‌دانستند و... چنان‌که مشاهده می‌شود کارگردان این سریال قصد دارد القا کند عبدالله بن سبأ در تاریخ اسلام یکی از تأثیرگذارترین افراد بوده است.

این شخصیت اما پس از ایفای نقش اساسی در قتل عثمان چندان بیکار نمی‌ماند؛ چرا که نقش اساسی در بیعت کردن مردم با امام علی را برعهده می‌گیرد و با طرح اندیشه وصایت (=جانشینی امام علی(ع) برای پیامبر(ص)) زمینه ساز این بیعت می‌شود! پس از بیعت، او چون گذشته به شهرهای مختلف می‌رود و این اندیشه را تبلیغ می‌کند. در جنگ جمل که عایشه، طلحه و زبیر - که بنا به تصریح صحیح‌ترین روایات تاریخی از تشویق‌کنندگان مردم به قتل عثمان بودند- برای خونخواهی از عثمان برپا کردند، نیز می‌توان ردپای او را یافت. چرا که در این روایت کارگردان سریال موهوم، دو لشکر در نهایت تصمیم به صلح می‌گیرند، ولی عبدالله بن سبأ نمی‌گذارد و آغازگر جنگی خونین می‌شود که در آن 19 هزار مسلمان کشته می‌شوند و بر دامنه فتنه افزوده می‌شود! جالب آنکه پس از جنگ جمل دیگر نمی‌توان اثری از آثار این منافق یهودی که نقشه نابودی وحدت جهان اسلام را به سادگی محقق کرده است، یافت و شخصیتی که پیش تر کارگردان آن قدر او را تأثیرگذار و مهم جلوه داده به کلی در تاریخ محو می‌شود.

بنابراین به نحو اختصار عبدالله بن سبأ شخصیتی است منافق و تازه مسلمان که طی 3 سال- یعنی از سال 35 تا سال 37 - تمام جهان اسلام را به هم می‌ریزد و برای استمرار عدم تحقق وحدت اسلامی تا قیامت فرقه‌ای به نام شیعه تأسیس می‌کند! اما به ناگاه در تاریخ مفقود می‌شود! چنان‌که مشاهده می‌شود، سریال حسن و حسین بر این اساس بنا شده است. البته این نکته قابل ذکر است که در درگیری امام حسن(ع) و معاویه- به نص پیامبر(ص) در صحیح بخاری امام فرقه باغی(=تجاوزگر) و دعوت‌کننده به جهنم است، (صحیح بخاری، حدیث 447 و حدیث 2812) - چنان‌که بیان شد، نمی‌توان اثری از عبدالله بن سبأ یافت ولی فتنه‌ای که او بنیان نهاد، آثاری است که تا ابد پا برجاست و این همان فکری است که دستمایه اصلی سریال و شکل‌دهنده تم آن است. کاملاً مشخص است که تمام تلاش تهیه‌کنندگان سلفی این سریال بر تبرئه صحابه بنا شده است، چرا که در حضور هزاران نفر از ایشان کسی می‌آید که به قول مورخان، جدیدالعهد بالاسلام است؛ یعنی تازه مسلمان است، ولی بر تمام صحابه اثر می‌گذارد.

چنان‌که برخی از ایشان را همچون ابوذر غفاری، عمار بن یاسر، عبدالله بن مسعود انصاری و... را می‌فریبد و برخی را ساکت و متقاعد می‌کند و در روز روشن خلیفه را در برابر دیدگان صحابه پیامبر در مدینه آشکارا به قتل می‌رساند و پس از آن هم کسی با او کاری ندارد و راست‌راست در مدینه می‌گردد. جالب است که در سریال صحنه تشییع جنازه خلیفه مقتول چنان ترتیب داده شده است که گویی تمام صحابه در آن شرکت داشته اند! و بر نعش او اشک می‌ریخته‌اند. اما معلوم نیست که چرا با این حال باید عثمان شبانه در گورستان یهودی #171 حش کوب» دفن شود که در آن روزگار جزو بقیع نبود و پس از به خلافت رسیدن معاویه، آنجا را به بقیع ملحق کردند و اصولاً کسانی که امروز به زیارت بقیع می‌روند خود می‌توانند به عیان مشاهده کنند که قبر خلیفه مسلمانان در انتهای بقیع واقع شده است و باید برای رسیدن به آنجا مسافت زیادی طی کرد. در هر صورت می‌توان برای تحلیل محتوایی این سریال که بر دو مبنای پیش گفته استوار شده است، دو طریق را در پیش گرفت؛ نخست، طریق عقلی که تاریخ را با توجه به شواهد و قرائن محسوس به صورت انتقادی مورد مطالعه قرار می‌دهد.

در این شیوه سنجش روایات مورخان با یکدیگر بر حسب تسلسل تاریخی، ضروری به نظر می‌رسد و دوم بررسی راوی یا راویانی است که از عبدالله بن سبأ چنین شخصیتی را فارغ از وجود یا عدم وجود تاریخی او ساخته‌اند. چنان‌که می‌دانیم مورخان و محققان تاریخی در زمینه اصل وجود خارجی عبدالله بن سبأ دو دسته‌اند؛ برخی او را از اساس منکرند و برخی او را با شروطی- از جمله انکار بزرگنمایی‌ها و قهرمان‌سازی‌هایی که به او منسوب است- پذیرفته‌اند. در طریق عقلی به همین نکته بسنده می‌کنیم که نمی‌توان تمام تاریخ صدر اسلام را که مملو از فتنه‌ها و جنگ‌های بی‌پایان است، فقط با توجه به یک عامل- آن هم ضعیف‌ترین عامل ممکن، یعنی یک منافق یهودی تازه مسلمان - مورد بررسی قرار داد؛ عاملی که ضعف او آنقدر شدید است که گاه نزد برخی محققان به انکار او می‌گراید! این گروه از محققان به درستی بر این باورند که حوادث تاریخی دارای عوامل بسیار متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. بنابراین تحلیل قتل خلیفه مسلمین در خانه‌اش به عنوان یک حادثه مهم تاریخی حتماً دارای چنین عوامل متنوعی است.

نمی‌توان پذیرفت که خلیفه در خانه خود 40 روز محاصره باشد و از نخستین احتیاجات انسانی مثل آب و غذا محروم باشد، ولی در عین حال تمام صحابه حاضر در مدینه را از نقش آفرینی در این واقعه مستثنی کرد؛ نمی‌توان پذیرفت صحابه‌ای که قرآن در وصف برخی ایشان به شجاعت و دلیری و البته تیزهوشی و کیاست آیه‌ها دارد، فریب یک فرد تازه مسلمان ناشناخته یهودی را خورده باشند که در اواخر عهد عثمان اسلام آورده و در دوران بسیار کوتاهی توانسته تمام صحابه را گمراه کند ولی اگر بر فرض چنین باشد، باید او نیز چون دیگر معارضان و مخالفان حکومت مثل عمار بن یاسر، ابوذر غفاری و عبدالله بن مسعود انصاری، فردی شناخته شده باشد که

در این صورت باید سرنوشتی چون ایشان بیابد؛ یعنی یا تبعید شود و در تبعید جان دهد یا در خانه خود منزوی شود و در بستر بیماری، روزگار بگذراند.

در طریق دوم یعنی بررسی روایات تاریخی، اما به نکته‌ای بسیار جذاب و جالب برمی‌خوریم. عمده‌ترین راوی روایات عبدالله بن سبأ، شخصی است به نام سیف بن عمر تمیمی کوفی اموی که ظاهراً در زمان هارون الرشید فوت کرده است. پیش از او هرگز نامی از عبدالله بن سبأ در تاریخ وجود ندارد. بنابراین می‌توان به این جمع‌بندی رسید که سیف بن عمر کسی است که این نقش اساسی را با توجه به گرایش‌های شدید عثمانی و اموی خود به شخصیت عبدالله بن سبأ داده است تا کسانی را که او نسبت به آنها تعصب داشته است، از گناهای که به ایشان منسوب بوده، مبرا و پاک سازد. مهم‌ترین دلیل این امر علاوه بر دلیل پیش گفته، صفاتی است که کارشناسان راوی‌شناس و منتقدان سند روایات به او می‌دهند. اگر به این کتب نگاهی اجمالی بیفکنیم متوجه می‌شویم که سیف بن عمر تمیمی چنین اوصافی دارد: «#ضعیف در حدیث، چنان‌که ابن‌معین در مورد او می‌گوید: کسی که حدیث او متروک است، چنان‌که ابوحاتم می‌گوید: لیس بشئ/ هیچ ارزشی ندارد، چنان‌که ابوداود سجستانی می‌گوید: ضعیف به نحو مطلق چه در روایات حدیثی و چه در روایات تاریخی و چه در هر امر دیگری! ابن‌عدی می‌گوید: احادیث ساختگی را از آدم‌های راستگو نقل می‌کند [یعنی سندسازی می‌کند] و احادیث موضوع و جعلی می‌سازد، همچنین ابن‌حبان می‌گوید: او را به زندیق بودن (= بی‌دینی) متهم می‌کنند.

برقانی از دار قطنی روایت می‌کند که او متروک است، حاکم نیشابوری نیز می‌گوید: او به بی‌دینی متهم است. چنان‌که در روایت کاملاً ساقط است و...» (عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 4، ص 260 و بسیاری دیگر از مراجع رجالی و سندشناسی). بنابراین چنان‌که مشاهده می‌شود مهم‌ترین راوی عبدالله بن سبأ شخصی دروغ‌پرداز و خیالباف است که براساس هوای نفس، منافع مادی و تعصبات قبیله‌ای حدیث جعل می‌کند و تاریخ را آن‌گونه که قبیله‌اش یعنی امویان می‌خواهند، می‌سازد. اما چرا روایات او در میان سلفیان (= وهابیان) مقبول واقع شده است؟ پاسخ این سؤال با توجه به آنچه درباره مکتب اعتذار بیان شد، واضح است؛ چرا که این روایات با عقیده ایشان در باب تبرئه اصحاب پیامبر (ص) سازگار است و با یک تیر دو نشان می‌زنند؛ هم برخی از صحابه را از مشکلات عظیمی که برایشان به‌وجود آمده است، رهایی می‌دهند و هم وجود شیعه و مذهب تشیع را به خیال خود توجیه می‌کنند.